واکنش جالب آقای خاص نسبت به عدم جذب «پوگبا»

سرمربی تیم فوتبال چلسی انگلیس در خصوص چرایی عدم جذب هافبک فرانسوی یوونتوس گفت: پوگبا به هر تیمی برود باعثِ پیشرفتش می‌شود. اگر در یوونتوس بماند، یوونتوس همچنان قدرتمند می‌ماند. او یکی از بهترین بازیکنانِ جهان است، اما مسئله‌یِ ما چیزِ دیگری است. ما فقط بازیکنانی می‌خریم که جایگزینِ بازیکنانی که می‌روند بشوند. بگوویچ به جایِ چک، فالکائو به جایِ دروگبا، نفر به نفر. من فکر می‌کنم همه دوست دارند پوگبا را به خدمت بگیرند، اما کارهایی هست که ممکن است و کارهایی که ممکن نیست. مثلا من عاشقِ برجِ ایفل هستم، ولی نمی‌توانم در حیاطم آن را داشته باشم. حتی نمی‌توانم ایفلِ لاس وگاس را داشته باشم!» خوزه مورینیو افزود: «من فکر می‌کنم این بازارِ ترانسفر دچارِ تورمِ شدیدی شده است. ما الان از قیمتِ رحیم استرلینگ تعجب می‌کنیم. اما سالِ بعد، بدتر هم می‌شود. فوتبال همین است. یک سال بازیِ جوانمرادانه‌یِ اقتصادی و سالِ بعد راههایی برایِ دور زدنش. من ناراحت نیستم. ما کارِ خودمان را می‌کنیم و از راهِ خودمانِ راضی هستیم. »

چگونه قیمت بازیکنان ایرانی به صورت غیر واقعی گران شد؟

مدیر خام، بازیکن زرنگ و دلال سودجو

پس از ورود پول به فوتبال ایران، یکی از مشکلات بزرگ که گریبان این ورزش را گرفت، بالا رفتن قارچ وار قیمت بازیکنان بود.

بزرگترین حسرت بازیکنان دهه شصت و هفتاد فوتبال ایران، شناسنامه شان است. آنها اکثرا یک آرزو دارند؛ کاش ۲۰ سال جوان تر بودند.بازیکنی مثل محسن عاشوری که هم اینک در فوتبال ما نمونه نزدیک به او هم مشاهده نمی شود با یک قیمت بسیار نازل سال ها در پرسپولیس بازی کرد، در تیم ملی ذخیره بهترین ها بود و آنچه از تمام عمر فوتبالی اش به دست اورد مطابقت دارد با آن چیزی که یک فوتبالیست درجه دو طی سه یا چهار سال این روزها به دست می آورد.از اواخر دهه هفتاد خورشیدی پول به صورت افسار گسیخته به فوتبال ما آمد و همین حضور بی مدیریت و بی برنامه باعث شد اولا چشمه استعدادها به علت حضور دلالان سودجو بخشکد و از سوی دیگر قیمت بازیکنان به صورت عجیب و باور نکردنی رشد کند. به عنوان مثال فصل قبل بازیکنی با پرسپولیس قرارداد ۷۵۰ میلیون تومانی بست که روی هم رفته در ۳ بازی کامل برای قرمزها در میدان حاضر نشد. این دست از بازیکنان کم نیستند. اگر استعدادهای واقعی را که هم اینک انگشت شمار هستند کنار بگذاریم با سیل عظیمی از بازیکنان درجه دو مواجه هستیم که در میدان مسابقه کاملا معمولی اند اما در زمان نقل و انتقالات به خوبی بازی با مدیران ناکار آمد را می دانند. مشکل از جایی شروع شد که مدیران سیاسی به واسطه نزدیکی با دولت های وقت به استقلال و پرسپولیس آمدند و تنها هنر مدیریت شان هزینه آنچنانی با پول بیت المال بود. از سوی دیگر تیم های صنعتی هم عوض استخدام مدیران "این کاره" سراغ مردان مجموعه خود رفتند که هیچ شناختی از دنیای فوتبال و مواجه شدن با دلالان نداشتند.

یکی از مدیران سابق تیم فوتبال مس کرمان که یک دهه قبل تازه به عنوان یک تیم صنعتی و پولدار در فوتبال ایران ظهور پیدا کرده بود، بقدری محبوب دلالان بود که برای نزدیکی با او بین اینجنت های رسمی و غیر رسمی فوتبال ما یک نزاع کاملا جدی رخ داد. این دست از مدیران هیچ شناختی از بازار گرمی بازیکنان نداشتند. بازیکنی که در بهترین حالت ممکن ۲۰۰ میلیون تومان هم نمی ارزید با صحنه آرایی و رو کردن پیشنهادات دروغین، مدیر تازه کار را در تنگنا قرار می داد تا با او قرارداد ۶۰۰ میلیون تومانی ببندد. این دست از بازیکنان بسیار فراوان هستند و متاسفانه مادامی که خلا مدیر کارآزموده داشته باشیم بازار آنها همچنان گرم است. در این بین مدیران واقعی هم مجبور هستند برای عقب نیافتادن در بازار نقل و انتقالات پول های غیر واقعی خرج کنند.لیگ فوتبال ایران در چند سال اخیر به هیچ عنوان هیچ ستاره بزرگ و تاثیر گذاری تولید نکرده است، تا پیش از این تصور می شد بازیکنانی نظیر صادقیان و مسلمان جا پای بزرگانی همانند کریمی و مجیدی می گذارند اما گذر زمان نشان داد این انتظار یک باور کاملا غلط است. آنچه پتانسیل فوتبال ایران برای آینده به حساب می آید تیم فوتبال امید است. تیمی که در فروردین ماه امسال در ورزشگاه آزادی با حمایت همه هواداران فوتبال، بازی بزرگ برابر عربستان را باخت و در گروهش دوم شد. تیمی که هیچ ستاره ای نداشت و به جز آزمون و جهانبخش که آن هم محصول سرمایه گذاری تیم های خارجی روی جوانان ما است، مهره گرانقدری به ما نشان نداد. اما در آینده نه چندان دور شاهد خواهید بود همین متوسط ها در بازار نقل و انتقالات با قیمت هایی باور نکردنی منتقل می شوند. قیمت بازیکنان فوتبال با توجه به افزایش تورم ، در کشور ما رشد می کند اما باید این افزایش قیمت برای ستاره ها باشد نه بازیکنان متوسط که تنها هنرشان بازار گرمی است.

در این بین متاسفانه پای اهالی رسانه هم به سفره فوتبال باز شده است. خبرنگاری که رسالت دارد واقعیت را به مخاطب بگوید به واسطه بردن سهمی از قراردادش برای او بازار گرمی می کند و این یعنی خیانت به فوتبال.

نمونه دم دستی هم تا دلتان بخواهد در این فوتبال داریم. روزنامه نگاری که دم از مبارزه با فساد و تبانی می زند اما در خفی با فلان دروازه بان رفاقت می کند و علی رغم آن همه اشتباه و گاف، تنها از او در رسانه اش تعریف می کند. او می خواهد قیمت دوستش را بالا ببرد تا سهمی از قرارداد جدیدش را بگیرد.

متاسفانه حلقه بازار گرمی و بالا بردن دروغین قیمت بازیکنان حالا بسیار پر تعداد شده است و اگر اهالی رسانه ما هم بخواهند در این بین تنها به فکر جیب خود باشند نه آنچه واقعیت فوتبال است هیچ فسادی پاک نخواهد شد. برخلاف ژست های فیس بوکی و استتوس های روشن فکرانه که غالبا سر می دهیم اما هنگام نقل و انتقالات مبدل به دلال رسمی می شویم تا کمی تا قسمتی از این پول های میلیاردی را کاسب شویم. وای بر ما وای بر فوتبال ما.

توقع تان را کم کنید آقایان فوتبالیست

در میان مذاکراتی که فوتبالیست ها با باشگاه ها انجام می دهند، بعضا شنیده می شود که بعضی از فوتالیست های درجه دو یا سه، رقم هایی به باشگاه ها پیشنهاد می دهند که بسیار بالاتر از ارزش واقعی آن هاست. در چند سال گذشته همیشه از رقم قرارداد بالای فوتبالیست ها انتقاد شده اما امسال بعضی فوتبالیست ها پا را فراتر نهاده اند و درخواست هایی از باشگاه ها دارند که اصلا قابل مقایسه با قیمت واقعی شان نیست.

در نقل و انتقالات، هرج و مرج به حدی زیاد شده که بازیکنی که سال قبل حدود ۱۰۰ میلیون تومان گرفته، به واسطه درخشش در دو سه مسابقه، فکر می کند حالا باید ۷۰۰ – ۸۰۰ میلیون تومان بگیرد. بازیکنی هم که پارسال ۵۰۰ میلیون تومان گرفته، امسال به دریافت رقمی زیر یک میلیارد تومان رضایت نمی دهد.

در این میان دلال ها هم برای اینکه پول بیشتری به جیب بزنند، به شیوه های متفاوت تبلیغ بازیکنان خود را می کنند و برای آن ها بازارگرمی انجام می دهند. باشگاه ها هم از ترس اینکه بدون بازیکن نمانند و برای اینکه ضعف فنی خود را برطرف کنند، فریب بازارگرمی ها را می خورند. نتیجه اش این می شود که بازیکنی که قیمتش نهایتا ۱۰۰ میلیون تومان بیشتر نیست، به واسطه بازارگرمی های یک دلال قیمت خود را تا ۴۰۰ – ۵۰۰ میلیون تومان بالا می برد و بازیکنان درجه دو و درجه سه هم به قراردادهایی با ارقام میلیاردی می رسند.

نظارت دقیقی هم روی این موضوع وجود ندارد و هر سال دیده می شود که تعداد قابل توجهی بازیکن، به همین روش به قراردادهای بسیار خوبی دست پیدا می کنند و بدتر از آن، در زمین مسابقه هم کارآیی لازم را برای تیم خود ندارند. وقت آن رسیده که نهادهای نظارتی، نقش خود را بر اتفاقات فصل نقل و انتقالات فوتبال بیشتر کنند و با اقدامات به موقع، دست دلالان را از این آشفته بازار فوتبال کوتاه کنند.

یادداشت

پروژه‌یِ بازسازیِ بارسا و بارتومیو

* بن هیوارد

شاید این تغییری نبود که خیلی‌ها منتظرش بودند، اما حالا بعد از انتخابِ بارتومیو به عنوانِ رئیسِ بارسلونا و شکست خوردنِ خوان لاپورتا، او باید پروژه‌یِ بازسازیِ تیمش را آغاز کند. وقتی لاپورتا سالِ ۲۰۰۳ در نوکمپ به قدرت رسید، بارسا ۴ سال بدونِ کسبِ عنوانی مهم بود و زیرِ سایه‌یِ رئالِ مادرید قدرتمند قرار گرفته بود. اما حالا داستان کاملا متفاوت است.

لاپورتا برایِ کمپینِ امسالش دو مهره‌یِ برنده داشت: یکی قولِ خریدِ پل پوگبا و دیگری رابطه‌یِ صمیمانه‌اش با لیونل مسی. اما هوادارانِ بارسا دیدند که مسی فصلِ پیش بدونِ لاپورتا هم به اوجِ خودش رسید.

در ضمن، برعکسِ سالِ ۲۰۰۳، این بار بارسا نیازی به خریدِ بزرگی نداشت. بنابراین قولِ آوردنِ نامهایِ بزرگ به باشگاه نمی‌توانست اهرمِ چندان محکمی باشد. بنابراین داشتنِ مسی و سوارس و نیمار کافی بود تا فلسفه‌یِ "سری که درد نمیکنه را دستمال نبند" بارتومیو در انتخابات موفق شود.

اما برایِ باشگاهی که با غرور به خودش "فراتر از یک تیم" می‌گوید، نتایجِ داخلِ زمین تنها بخشی از داستان است. شاید تصویرِ لاپورتا هم خدشه‌هایی داشت، اما تمرکزش رویِ لا ماسیا، هسته‌یِ کاتالانیِ بارسلونا و یونیسف، از او مردی محبوب در نوکمپ ساخته بود. او همچنین تاریخِ باشگاه را هم با فرانک رایکارد و پپ گواردیولا عوض کرد.

این دو مربی بهترین دورانِ بارسا را رقم زدند و تیمِ گواردیولا زیباترینِ فوتبالِ ممکن را بازی کرد.

به لطفِ پیِ مستحکمی که لاپورتا برایِ بارسا بنا کرده بود، دورانِ راسل-بارتومیو هم با یک قهرمانی در چمپیونز لیگ در فصلِ ۲۰۱۰-۲۰۱۱ شروع شد. اما از آن تاریخ به بعد بارسا متهم به فسادِ مالی، داشتنِ ارتباطهایِ غیر قانونی با قطر، محرومیت از نقل و انتقالات و همینطور شایعه‌یِ فروختنِ لیونل مسی شده است.

به همین دلیل است که انتخابِ بارتومیو کمی عجیب به نظر می‌رسد. آمار نشان می‌دهد که اکثر هوادارانِ بینِ ۱۸ تا ۳۴ رای به تغییر داده‌اند و بیشتر رای‌هایِ بارتومیو مدیونِ اعضایِ بالایِ ۶۰ سال بوده است. سه‌گانه‌یِ فصلِ پیش از آن بارسلونا است، نه فقط بارتومیو. درسته که او در ژانویه ایمانش به لوئیس انریکه را از دست نداد و تیمش را از دورانِ بحران به سلامتی گذراند، اما کارِ اصلیِ بارتومیو حالا شروع شده است. رئیسِ منتخبِ بارسا باید ارزش‌هایی که از سالِ ۲۰۱۰ بدین سو گم شده‌اند را دوباره زنده کند. بارتومیو برایِ این کار باید مسی را تا پایانِ فوتبالش در بارسا حفظ کند، توجه بیشتری به لا ماسیا و استعدادهایِ داخلِ باشگاه کند و وقتی سالِ ۲۰۱۶ قراردادش با قطر به پایان رسید، دیگر تمدیدش نکند و البته جلویِ هرگونه جنجالِ مالی‌ای را هم بگیرد. کارِ بارتومیو تازه شروع شده است.

لغو پیاپی برنامه‌های قطعی در تیم قمی؛

«دایی – صبا» و نشانه‌هایی که بوی تغییر می‌دهند

صبای قم یکی از پرافت و خیزترین شرایط باشگاهی را در دو ماه گذشته پشت سرگذاشته است، از شروع طرح واگذاری تا حضور محجوب و کناره‌گیری بی‌سرو صدای او گرفته تا حضور علی دایی به عنوان سرمربی. آیا واقعا این پایان‌ماجراست؟

خرید سهام باشگاه صبای قم توسط سیروس محجوب در اوائل ماه جاری به حدی جدی شده بود که مسوولان باشگاه و استانداری قم این خبر را رسما اعلام کردند و نه تنها گفته شد که سیروس محجوب قرار است طی یکی دو روز ۲ تا ۳ میلیارد تومان به باشگاه تزریق کند، بلکه اعمال نظر محجوب درباره‌ی تیم نیز آن قدر ملموس شده بود که گفته می‌شد انتقال "روزبه چشمی" به استقلال - بازیکنی که استقلال تهران پول انتقالش را برای دریافت رضایت نامه از باشگاه صبا پرداخت کرده - به علت مخالفت محجوب در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است، چرا که ظاهرا محجوب خواسته است "چشمی" در لیگ پانزدهم نیز پیراهن تیم صبا را به تن کند. اما چندی نگذشت که محجوب به دلایل نامعلومی از خرید سهام صبا منصرف شد و در حالی که همه، خرید ۸۰ درصد سهام صبا قم را توسط سیروس محجوب «قطعی» می‌دانستند خبر رسید که این باشگاه قرار است همچنان در تملک استانداری قم باقی بماند.

همان روز وکیل تام الاختیار محجوب نیز طی مصاحبه‌ای با رسانه‌ها اعلام کرد که محجوب به دلیل اختلاف نظر با استانداری در واگذاری ۱۰۰ درصد سهام باشگاه از خرید صبا منصرف شده است. در پی این اظهارات باشگاه صبای قم نیز در بیانیه‌ای به انتقاد از آنچه که بی اخلاقی محجوب و بازی با احساسات مردم قم نامید، از پایان رسمی همکاری محجوب و استانداری قم برای واگذاری این باشگاه خبر داد.

پس از این سکانس بود که تقریبا «قطعی» به نظر می‌رسید بازهم باشگاه صبا هم‌چنان در تملک استانداری قم و با سرمربی گری "مهدی تارتار" در لیگ پانزدهم ادامه حیات دهد اما به یک‌باره و درحالی که همه منتظر اعلام خبر توافق علی دایی و ملوان انزلی بودند خبر رسید که علی دایی به عنوان سرمربی جدید تیم صبا انتخاب شده است.

انتخابی که در همان آغاز حدس و گمانه‌هایی را درباره امکان خرید سهام باشگاه از سوی علی دایی و دوستانش مطرح کرد که البته این نظریه هم خیلی زود از سوی باشگاه رد شد اما آنچه که اکنون "قطعی" شده این است که صبای قم با حضور علی دایی فصل پانزدهم لیگ را آغاز خواهد کرد.

حضور علی دایی در صبا می‌تواند پیام آور یک یا چند موضوع «غیر قطعی» دیگر برای تیم صبای قم باشد چرا که باشگاهی که تا چند روز پیش، چشم به راه پول خریداری مانند محجوب بوده تا بدهی هایش را تسویه کند امروز تصمیم گرفته "تارتار" کم‌هزینه و البته موفق را کنار بگذارد و علی دایی گرانقیمت را به عنوان سرمربی برگزینند، ناگفته پیداست که علی دایی با قرارداد ساده‌ای به این تیم نمی‌پیوندد و این "نشانه" می‌تواند حاکی از ناگفته‌هایی باشد که هر احتمالی را درباره سرنوشت صبا در واپسین روزهای مانده به آغاز لیگ پانزدهم دور از ذهن نخواهد کرد.

با پیگیری روند حاضر و با استناد به ملغی شدن قطعیت های پیاپی در این باشگاه قمی، به نظر می‌رسد باید هم‌چنان چشم انتظار تغییر و تحولات و یا اعلام ناگفته‌هایی درباره "صبای قم" بود.

آیا قلعه‌نویی با ملوان به آرزویش می‌رسد؟

ژنرال در مرداب

درحالی که علی دایی چندین بار به پیشنهاد سرمربیگری ملوان پاسخ منفی داد، امیرقلعه نویی پیشنهاد هدایت این تیم را پذیرفت، آیا قلعه‌نویی خواهد توانست برای اولین بار در یک تیم متوسط به لحاظ مالی، موفق ظاهر شود؟

پرافتخارترین مربی فوتبال ایران که پنج قهرمانی را در کارنامه خود ثبت کرده، پس از کنار گذاشته شدن از لیست کاندیداهای مربیگری استقلال تهران، قرار است در لیگ پانزدهم هدایت ملوان را برعهده داشته باشد.

امیرقلعه نویی تا به حال هدایت چهار تیم استقلال، مس کرمان، تراکتورسازی و سپاهان را در لیک برتر برعهده داشته که حاصل آن پنج عنوان قهرمانی و دو نایب قهرمانی بوده است. بررسی تیم‌هایی که قلعه نویی هدایت‌شان را بر عهده داشته، نشان می‌دهد که او همواره تیم هایی را انتخاب کرده که از نظر ساختار باشگاهی، امکانات و همین طور پتانسیل بازیکنان در سطح بالایی بوده‌اند این درحالی است که تیم جدید او که قرار است در فصل پانزدهم روی نیمکت آن بنشیند، از نظر امکانات و همین طور پتانسیل مالی در سطح متوسط به پایینی قرار دارد موضوعی که مانع توافق علی دایی با این تیم شد.

مشکلات مالی و همین طور مدیریتی باعث شد تیم ملوان فصل چهاردهم نتایج خوبی نگیرد و در پایان فصل نیز در قعر جدول حضور داشته باشد. البته این تیم در حال حاضر هم با بدهی مالی باقی مانده از گذشته دست و پنجه نرم می‌کند و مشکلات کمی ندارد اما سوال این است که با توجه به سوابق انتخاب‌های هدفمند امیر قلعه‌نویی، چه شده که او هدایت ملوان را پذیرفته است؟

امیر قلعه‌نویی فصل گذشته عملکرد خوبی را با استقلال ثبت نکرد و در اواخر فصل نتایج به مراتب ضعیفی را به کارنامه خود اضافه کرد، او در لیگ چهاردهم، ۱۳ برد برای استقلالی‌ها به دست آورد و ۹ بار هم طعم شکست را چشید و در پایان فصل هم محترمانه از سوی هیات مدیره کنار گذاشته شد. استقلال با هدایت او دردیدارهای رفت و برگشت مقابل نفت تهران، پرسپولیس و همینطور فولاد شکست خورد تا استقلال به رتبه‌ای بهتر از ششم دست نیابد تا برای دومین فصل متوالی آبی پوشان تهرانی نتوانند سهمیه لیگ قهرمانان آسیا را کسب کنند.

کسب نتایج ضعیف قلعه‌نویی با استقلال باعث شد این مربی کهنه کار فوتبال ایران در پایان فصل چهاردهم مشتری جدی نداشته باشد تا اینکه پس از جواب رد علی دایی به ملوان، او گزینه اول ملوانی ها شود. فراموش نمی‌کنیم که در روزهای اخیر که بهشتی، مالکیت تیم ملوان را برعهده گرفت چندین و چند بار با علی دایی برای هدایت این تیم صحبت کرد، اما مذاکرات او با دایی بی نتیجه بود، زیرا علی دایی قصد نداشت هدایت تیمی را بپذیرد که از نظر امکانات و مالی وضعیت خوبی ندارد.

حال پس از منتفی شدن حضور علی دایی در ملوان، امیر قلعه‌نویی هدایت "قوهای سپید" را بر عهده گرفت، با این اتفاقات و حضور یک‌باره سرمربی سابق استقلال در انزلی این فرضیه را مطرح می‌کند که پرافتخارترین مربی ایران دوست نداشته تحت هر شرایطی لیگ پانزدهم را بدون تیم بماند، شاید قلعه‌نویی می‌خواسته به هر قیمتی روی نیمکت یک تیم بنشیند تا شاید بتواند دوباره قابلیت‌هایش را به رخ منتقدان بکشد. منتقدانی که در روزهای گذشته از هر ابزاری برای ناکارآمد جلوه دادن ایده‌های کاری او فروگذار نکرده‌اند.

شاید امیر قلعه‌نویی در پایان فصل پانزدهم با شگفتی که با ملوان خلق خواهد کرد زمینه بازگشت به تیم محبوبش یعنی استقلال را فراهم کند. آیا قلعه‌نویی خواهد توانست چنین دیکته‌ای را به هیات مدیره استقلال تحمیل کند؟

سانتر از همه جا

کفاشیان: با نایکی و آدیداس به تفاهم نرسیدیم

رییس فدراسیون فوتبال می‌گوید برای اسپانسرینگ البسه تیم ملی با آدیداس و نایکی توافقی حاصل نشده است.

علی کفاشیان در گفت‌وگو با ایسنا، درباره این که گفته می‌شود کارلوس کی‌روش از شرایط حال حاضر تیم ملی ناراحت است، اظهار کرد: خیر. کی‌روش از شرایط تیم ملی ناراحت نیست. او امکانات بیشتری از ما می‌خواهد، زیرا صحنه رقابت را سخت می‌بیند. کشورهای زیادی برای صعود به جام جهانی تلاش می‌کنند و کی‌روش هم به خوبی این مساله را می‌داند.وی افزود: با همه این ویژگی‌ها کارلوس کی‌روش رقابت را برای حضور در جام جهانی سخت می‌بیند. البته ما اعتقاد داریم او باید تمام تلاش خود را انجام دهد زیرا ما نیروهای قدرتمندی در اختیار داریم، اما این را هم می‌دانیم که صعود ما به جام جهانی قطعی نیست. باید تلاش کنیم تا با بهترین نتیجه به جام جهانی صعود کنیم.کفاشیان با بیان این که کی‌روش همیشه نگرانی‌هایی دارد، ادامه داد: امکانات ما واقعا محدود است. کی‌روش باید با همین امکانات محدود حداکثر تلاشش را انجام دهد تا بهترین نتیجه را کسب کند.رییس فدراسیون فوتبال در ادامه صحبت‌های خود درباره اسپانسرینگ تیم ملی و این که گفته می‌شود یک شرکت آمریکایی قرار است اسپانسر البسه تیم ملی شود، اظهار کرد: ما با نایکی به نتیجه نرسیدیم. البته با آدیداس مذاکراتی را انجام دادیم ولی نتوانستیم با آنها به توافق برسیم. آنها تمایلی برای انعقاد قرارداد با ما نداشتند. در حال حاضر که آل‌اشپورت هم از همکاری با فدراسیون فوتبال انصراف داده است باید به دنبال برند دیگری برویم.کفاشیان همچنین درباره آخرین وضعیت رای صادره کمیته استیناف درباره دیدار راه‌آهن و پیکان نیز، خاطرنشان کرد: در حال حاضر کمیته استیناف آخرین رسیدگی را انجام می‌دهد. ما مستندات جدیدی را یافته‌ایم و به همین خاطر دستور دادم تا جلسه بررسی ویژه برگزار شود. قبول دارم شاید زمانی که رای صادر می‌شود کمی دیر باشد و آن تیمی که در لیگ برتر است نتواند تیم خود را به خوبی ببندد، اما چاره‌ای جز این نداشتیم.او در پاسخ به این سوال که قرعه‌کشی لیگ را چطور دیدید؟ گفت: مراسم خوب و با شکوهی برگزار شد. ما به دنبال بحث اسپانسرینگ این برنامه بودیم که سازمان صداوسیما هیچ توجهی به آن نداشت.رییس فدراسیون فوتبال در پایان درباره مساله حق پخش تلویزیونی هم گفت: باید جلسه‌ای را با مدیران باشگاه‌ها برگزار کنیم تا در این باره تصمیم نهایی اتخاذ شود. ما دوست نداریم کاری کنیم که بازی‌های لیگ از طریق تلویزیون پخش نشود. البته این را هم بگویم که واقعا زور ما به صداوسیما نمی‌رسد.

برانکو: زمانی برای بازی بیشتر نداریم

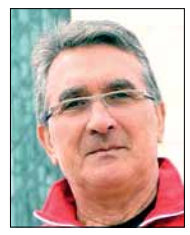

سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس با ابراز رضایت از عملکرد شاگردانش در اردوی ترکیه گفت: انگیزه بالایی که آنها برای پیشرفت از خود نشان می‌دهند مرا خوشحال و راضی می‌کند و امیدوارم هر چه سریعتر تیم کامل شود.

برانکو ایوانکوویچ در مورد آخرین وضعیت تیم فوتبال پرسپولیس در اردوی ترکیه و برگزاری دیدارهای تدارکاتی گفت: ابتدا باید عید فطر را به مردم ایران تبریک بگویم. متاسفانه بازیکنانم نتوانستند این عید را کنار خانواده باشند. به هر حال آنها بازیکنان حرفه ای هستند و باید در تمرینات شرکت می کردند.وی ادامه داد: ما می خواهیم بازی به بازی بهتر شویم. می خواستیم بازیهای بیشتری برای آماده سازی تیم تا قبل از شروع لیگ داشته باشیم اما زمان برای این کار وجود ندارد.سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس خاطرنشان کرد: چیزی که من را خیلی خوشحال و راضی می کند این است که بازیکنانم روز به روز انگیزه شان برای کار بیشتر می شود. امیدوارم هر چه سریعتر تیم را تکمیل کنیم و پیشرفت ما بیشتر باشد و دقیق تر از قبل کار کنیم.برانکو با ابراز رضایت از برگزاری دو دیدار تدارکاتی در اردوی ترکیه گفت: یک بازی دیگر پیش رو داریم که انتظار داریم از این هم که هستیم وضعیت ما بهتر شود و بتوانیم نمایش بهتری داشته باشیم.وی در مورد شانس قهرمانی تیم فوتبال پرسپولیس نیز گفت: ما داریم به شدت کار می کنیم و بازیکنان هم دارند به شدت تلاش می کنند. در واقع مشکل اساسی ما این بود که زمان زیادی طول کشید تا بتوانیم تیم را ببندیم. برخی بازیکنان هم خیلی دیر به جمع ما ملحق شدند.

نگاه

سیر صعودی فوتبال ایران با رفع تحریم‌های ناعادلانه برای ورزش ایران

رفع تحریم‌ها حداقل ۱۰ میلیون دلار سرمایه را به سوی فدراسیون فوتبال ایران گسیل خواهد کرد.

توافق برای رفع تحریم‌های بین‌المللی بر ایران، فوتبال را در این کشور دگرگون خواهد کرد. یکی از پی‌آمدهای این توافق، باز شدن درهای سرمایه‌گذاری خارجی در ورزش و بالاخص فوتبال ایران است و از دیگر موارد هم می‌توان ساده شدن مبادلات بین‌المللی بازیکنان به داخل و خارج از ایران به همراه پول‌های ناشی از این نقل و انتقـــالات است.در اثر توافقی که ایران با شش ابرقدرت جهان برای برنامه‌های هسته‌ای اش کرده است، مجموعا بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از پول‌های این کشور را به او باز خواهد گرداند که قطعا یک هزارم این مبلغ به مشخصا فوتبال جمهوری اسلامی تعلق دارد؛ سهمی نه چشمگیر اما حیاتی!

همگان اعتقاد دارند که ورزش باید از سیاست جدا باشد اما غربی‌ها به فوتبال ایران هم رحم نکردند و این ورزش مردمی را هم زیر چکش تحریم قرار دادند. ایران دو سال است که هیچ کمکی نتوانسته از سوی فیفا دریافت کند؛ کمک‌هایی که حق مسلم هر کشوری است که آن‌ها را دریافت کند اما تحریم‌ها مانع از دریافت آن از سوی ایرانی‌ها شده است.فوتبال ایران نتوانسته که حتی کمک فیفا برای حضورش در جام جهانی بیستم در برزیل را هم دریافت کند.شاید اگر این کمک‌ها در زمان جام جهانی به ایران می‌رسید، تیم ملی فوتبال این کشور می‌توانست خود را به نحو بهتری آماده کند و شاید به مرحله بعد هم صعود می‌کرد.ایرانی‌ها به این منظور سپ بلاتر را هم به کشورشان دعوت کردند اما او هم نتوانست بر دیوار محکم تحریم‌هایی که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده ساخته بود اثری بگذارد.

در این رابطه گفتنی است که کمک‌های فیفا برای آماده‌سازی تیم ملی فوتبال ایران برای جام جهانی ۲۰۱۰ هم به آن‌ها نرسیده است.فوتبال این کشور از دریافت توپ‌های مناسب هم محروم بوده است البته به علاوه سایر امکانات ورزشی مورد نیاز و مناسب.به رغم همه این مسائل و کمبودها، ایرانی‌ها در سطح آسیا خود را به عنوان برترین معرفی کرده‌اند،جایگاهی که به سادگی توسط رقیب‌های‌شان دست یافتنی نیست!

آن‌ها که سه بار قهرمان آسیا شده اند، در جام‌های جهانی عملکردی ستودنی دارند، چنان‌که در جام بیستم اگر تنها یک دقیقه بیشتر مقاومت می‌کردند، تساوی‌ای با آرژانتین به دست می‌آوردند که کم از شکست دادن این غول سنتی فوتبال جهان نمی‌داشت.باشگاه‌های ایرانی با تمام سختی‌ها و تنگناها در لیگ قهرمانان آسیا هم می‌درخشند و به مراحل بالاتر می‌رسند.آن‌ها اما با رفع تحریم‌ها می‌توانند به دوباره‌سازی فوتبال‌شان بپردازند.